

جوړکښ مسئولین است ومعمولا بسته های کمکی ای برای جبران سخنان نسجیده ایشان توی انبار دارد.

۵ مه: سرپرست وزارت بهداشت طالبان اعلام کرد: «خواهشا جامعه جهانی با موضوع بهداشت برخورد سیاسی نکند». استثنائا خود طالبان نیز از برخورد سیاسی با موضوع بهداشت عاجز است و توزیع میلیون ها دز واکسن در میان هزاران ساکن ولایات پشتون نشین برای سلامتی ضایع است.

۱۴ مه: عربستان از آزادی ۱۱۴ تبعه افغانستان از زندان های این کشور خبر داد و بدون اینکه کسی سوال کند، تاکید کرد موضوع به طالبان ربطی ندارد و واقعاً بدون هماهنگی است.

۱۶ مه: انفجار در مسجد سیدآباد قندوز ده ها کشته داشته است. ذبیح الله مجاهد امروز گفت: «این داعش هم در دسر شده است» و مجدداً بر نگاه غیرقومی تأکید کرد و عجیب اینکه ترک سقف را به خودش نگرفت.

۲۰ مه: وزارت هوانوردی طالبان در «بیانیه» ای در مورد گران شدن بلیت هواپیمای خط کابل-اسلامآباد هشدار داد. به نظر می رسد این ها خیلی حامی حقوق مصرف کنندگان و موضوع ربطی به رفت و آمدهای خودشان ندارد. پسفردا سازمان حمایت از حقوق مصرف کنندگان بلیت پرواز کابل-اسلامآباد هم تأسیس کردند، خواهشا داستان نکنید.

۲۷ مه: «زلمای خلیل زاد» نماینده کاخ سفید در امور افغانستان استعفاء داد. استثنائا در این باره هیچ کس واکنش نشان نداد و کلاً کسی یادش نبود خلیل زاد هم هست.

۲۸ مه: چین اعلام کرد به روابط سازنده خود با دولت افغانستان ادامه خواهد داد. یکی پرسید: «منظورت از دولت همین هاست که با دمپایی می آیند و مویشان را شانه نمی کنند؟» گفت: «بله». آگاهان می گویند شاید منظور چین فقط بنجل فروشی است و عیبی ندارد.

۳ آبان: «محمد نبی عیسی خیل» کاپیتان تیم ملی کریکت هنگام پخش سرود ملی کشور در بازی مقابل اسکاتلند، گریه کرد. طبیعی است بردن اسکاتلند گریه ندارد و بنده خدا فکرش کجاست.

۸ آبان: «زابلون سیمینتوف» آخرین یهودی افغانستان (!) درخواست غرامت کرد. او که با هزینه یک شرکت اسرائیلی در هتلی در استانبول اقامت دارد، نگفته است غرامت چی؟ اما تأکید کرده اگر جهانیان غرامت ندهند، می رود کابل کشته شود. گروهی که در سالهای گذشته مستندی از زندگی این فرد تهیه کرده است اعلام کرده: «والا این بابا یهلا پیرهن بیشتر نداشت و شبها هم اینور آنور می خوابید». کلاً یک صهیونیست واقعی هر جا باشد می تواند سیرک درست

کند. کابل و فلسطین و استانبول ندارد.

۱۰ آبان: امروز اعلام شد بیش از ۵۰ درصد کارمندان، نظامیان و کارکنان گمرک از کشور خارج شده اند. باقی مانده های طالبان در کوه های جنوب افغانستان با شنیدن این خبر اعلام کردند «به جهنم» و ساک خود را برداشته و راهی پستهای خالی پایتخت شدند.

۱۱ آبان: در حمله داعش به بیمارستانی در کابل، ۱۵ نفر شهید شدند. طالبان اعلام کرد: «داداشا نکنید».

۱۷ آبان: برنامه جهانی غذا اعلام کرد کمک های بین المللی به عاملان آوارگی مردم می رسد و بقیه - بخصوص هزاره ها- محروم مانده اند. مقامات طالبان بعد از پاک کردن رب دور دهان شان اعلام کردند: «دروغ میگه». و حین مالیدن چرب و چیل دست ها به شلوارشان گفتند: «کو؟»

۱۸ آبان: «جان ایگلند» رئیس شورای پناهندگان نروژ اعلام کرد: «بعد از سقوط کابل، ۳۰۰ هزار پناهجو وارد ایران شده اند در حالی که به علت تحریم ها هیچ مسیری برای انتقال پول به ایران وجود ندارد.» شورای پناهندگان نروژ، قبلاً نیز با محکوم کردن جنایات اسرائیل نشان داده است مثل بقیه بنگاه نیست و واقعاً شورای پناهندگان است.

۱۹ آبان: طالبان از دستگیری ۶۰۰ داعشی خبر می دهد. بخش ترسناک ماجرا این است که نگفته است با آن ها چه کار خواهد کرد.

۲۸ آبان: سفیر طالبان در اسلامآباد اعلام کرد: «ما همه شرایط را برای به رسمیت شناخته شدن، آماده کرده ایم. اما کسی آدم حساب نمی کند.» منظور سفیر سرخود از «همه شرایط» برای کسی معلوم نیست و به نظر می رسد مسخره کرده است.

۳۰ آبان: وزارت امر به معروف و نهی از منکر («وزارت زنان» سابق) با هدف «کم شدن بداخلاقی در اجتماع»، پخش فیلم با بازی زنان را ممنوع اعلام کرد. گویا زن های توی فیلم ها اخلاق ندارند.

۱ آذر: رسانه ها از حضور ۷۰۰ پناهجو در پاسگاه مرزی میلک در جنوب شرق ایران خبر می دهند. این افراد چون توانایی دریافت ویزی درمان یا زیارت را با دادن شیرینی بچه های عمارت اسلامی، نداشته اند، حق شان است ۷۰۰ نفری از دوباب سرویس بهداشتی استفاده کنند.

۴ آذر: نخست وزیر ایتالیا خودش شخصا اعلام کرد کشورش به شربت گل (معروف به مونا لیزای افغان!) پناه ندگی داده است. باقی قربانیان جنگ، چون چشم های خاصی ندارند و عکس شان روی جلد نشنال جئوگرافیک نرفته، لطفاً حرف نزنند.

۶ آذر: سازمان جهانی غذا می گوید ۹۵ درصد مردم نیاز فوری به غذا دارند. این خبر تأثیر خاصی روی

اینفلوئنسرها و تیسترهای ایرانی نداشته و همچنان می لمباند.

۱۰ آذر: پناهجویان در اندونزی در اعتراض به بلاتکلیفی خود، دهان شان را دوختند. ایرانی های ساکن اردوگاه های ترکیه و یونان در جست وجو گر گوگل تایپ کردند: «کسب درآمد از طریق شکایت از سارقان ایده».

۱۲ آذر: رهبر طالبان فرمان شش ماده ای خود در مورد زن ها را صادر کرد. کلاً طالبان به زنان خیلی توجه دارد. عین جغد توجه می کند.

۱۳ آذر: فرانسه شروع به کار سفارت خود در کابل را در دستور کار قرار داده است. از گوشه و کنار اپوزیسیون ساکن اروپا نیز صدای «بذارید اول ایران شروع کنه. بگیم طالبان-طالبان پیوندتان مبارک» به گوش می رسد.

۱۴ آذر: بالاخره کاشف به عمل آمد ملا هبت الله آخوندزاده یک ماه پیش در مدرسه ای در قندهار سخنرانی کرده و معلوم شده کجاست. از همین جا معلوم می شود طالبان خیلی به درس و تحصیل اهمیت می دهد و در بمب گذاری و سخنرانی اولویت با فضای آموزشی است. **۱۶ آذر:** کریمخان (غیر زند!) دادستان دادگاه لاهه گفت: «آمریکا مرتکب بدترین جنایت جنگی در افغانستان نشده است». دادستان قبلی این دادگاه توسط رئیس جمهور آمریکا تحریم شده بود و ما نتیجه می گیریم جهان چقدر شیرتوشیر نیست و همه مستقل عمل می کنند.

۱۷ آذر: کارمند وزارت خارجه انگلیس افشا کرد که در روند خروج از افغانستان، به حیوانات اولویت داده شد. در این افشاگری به نوع حیوانات اشاره نشد، اما روباه و کفتار در انگلیس بیشتر به چشم می خورد.

۲۱ آذر: گروهی از فعالین حقوق زنان در بلخ محدودیت علیه زنان را محکوم کردند. طبق معمول دست نوشته ها به انگلیسی بود و هم چنان خواستار مداخله سازمان های بین المللی شدند. گفتنی است در طالبان کسی انگلیسی نمی داند و البته فارسی را هم در حد مکالمات ضروری بلدند و مشخص است مخاطب معترضین، طالبان نیست و کلاً کارشان چیز دیگری است.

۲۲ آذر: انتشار تصاویری از معلم لیسه دخترانه حبیبیه کابل در حال واکس زدن کفش در گوشه خیابان، واکنش رسانه ها ابرانگیخت. طالبان اعلام کرد که کار عار نیست و استثنائاً عیبی ندارد.

۱ دی: عکاس ایرانی منتشرکننده ویدئوی فروش کودک افغانستانی توسط مادرش، پس از متهم شدن به سوء استفاده از گرسنگی مردم، گفت ببخشید. او در این فیلم بچه را قیمت می کند و به پاره تن مردم می گوید «این!»